



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰

سازوکارهای مقابله با ابعاد اقتصادی خشونت خانگی علیه زنان

نسیم بسنده^۱، حسن حاجی تبار فیروزجائی^۲، حسین فروغی نیا^۳

۱. گروه حقوق، واحد آیت‌الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران.

۲. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران.

۳. گروه حقوق بین‌الملل، موسسه آموزش عالی فروردین، قائمشهر، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: خشونت اقتصادی علیه زنان در محیط خانواده از اشکال مختلف خشونت خانگی است که چندان مورد توجه قرار نگرفته و در این مقاله تلاش شده به سازوکارهای مقابله با آن پرداخته شود.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر از نوع نظری توصیفی تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

یافته‌ها: قانون‌گذار برای مقابله با خشونت اقتصادی خانگی، سازوکارهایی چون حق نفقه و حق اشتغال برای زنان در نظر گرفته است اما این سازوکارها کافی به نظر نمی‌رسد. توانمندسازی زنان در قالب حرفه‌آموزی و فراهم کردن زمینه و فرصت اشتغال برای زنان در کنار فرهنگ‌سازی مهمترین سازوکارهایی است که می‌تواند در کاهش خشونت اقتصادی خانگی علیه زنان تأثیرگذار باشد. وقتی زنان از شغل و درآمد اقتصادی برخوردار هستند کمتر از لحاظ اقتصادی در معرض بزه‌دیدگی خشونت خانگی قرار می‌گیرند. ضمن اینکه آموزش و رشد فرهنگی نیز به تغییر دیدگاه مردان نسبت به زنان انجامیده و مانع استفاده مردان از حربه‌های اقتصادی جهت اعمال فشار و خشونت علیه زنان در محیط خانواده می‌شود.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

نتیجه‌گیری: قوانین موجود در مواجهه با خشونت اقتصادی خانگی علیه زنان دارای نارسائی است. بر همین اساس، تدوین قوانین در راستای حمایت مؤثر از حقوق اقتصادی زنان به ویژه زنان خانه‌دار ضروری است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۰۷-۲۲۶

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۶

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۶/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۰/۰۴

واژگان کلیدی:

خشونت خانگی، زنان، خشونت اقتصادی، نفقه، حق اشتغال

نویسنده مسوول:

حسن حاجی تبار فیروزجائی

آدرس پستی:

ایران، قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائمشهر، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی.

تلفن:

۰۹۱۱۲۱۵۸۱۷۳

کد ارکید:

0000-0002-0228-2027

پست الکترونیک:

hajitabar@yahoo.com

۱. مقدمه

محدودیت و یا خشونت اقتصادی یکی از ابعاد پنهان و کم‌تر شناخته‌شده خشونت علیه زنان است که آنها را به رغم داشتن سهمی زیاد در به دوش کشیدن بار زندگی از حقوق و مزایای مالی محروم می‌کند. خشونت علیه زنان در دهه‌های اخیر به یکی از موضوعات مهم حقوق بشری تبدیل شده است. با وجود این که مقابله با تمام اشکال خشونت دارای اهمیت است، اما ارتکاب نوع خانگی آن به دلیل شیوع بسیار در کشورهای جهان و آسیب‌های جدی جسمانی و روحی که بر زنان دارد، به‌عنوان مهم‌ترین مصداق خشونت، محور توجه مجامع و اندیشمندان در جهان بوده است. یکی از انواع خشونت خانگی، خشونت اقتصادی علیه زوجه است که کمتر این عنوان در ادبیات حقوقی ایران مورد بحث قرار گرفته است. امروزه، نقش اقتصاد و منابع مالی خانواده‌ها در حوزه خصوصی، عمومی و همچنین آسیب‌هایی که از این نوع خشونت بر خانواده‌ها به‌ویژه بر زنان وارد می‌شود بر کسی پوشیده نیست. نیمی از اعضای جامعه را زنان تشکیل می‌دهند و اکثریت زنان برای تأمین منابع مالی و نیازهای لازم و ضروری خود وابسته به مرد و افراد ذکور هستند. به نظر می‌رسد که در این میان خشونت اقتصادی مرتبط با منابع در دسترس زنان مانند نفقه زنان نادیده گرفته شده یا کمتر به آن پرداخته شده است. ضرورت و اهمیت بررسی این پژوهش در این مطلب است که تأثیر منابع مالی و تأمین آن‌ها، از جمله نفقه که یکی از حقوق شرعی و قانونی زنان در ایران است، بر خشونت علیه زنان،

به‌ویژه، بر خشونت اقتصادی را شناسایی کرده است.

خشونت اقتصادی در بسیاری از کشورهای جهان نسبت به زنان وجود دارد که زنان نیروی بی‌مزد و موجب هستند. چنانچه مرد خانواده نخواهد نیازهای مالی زن و خانواده را تأمین کند زندگی زنان عملاً به مخاطره می‌افتد و گاه دچار سوءتغذیه می‌شوند و حتی به ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین وسایل زندگی دسترسی ندارند. دیده شده است که افراد ذکور خانواده زنان را از ارث و درآمد خود زن محروم می‌کنند (کار، ۱۳۸۱، ۳۴). که نمونه‌های این نوع خشونت را می‌توان در سوءاستفاده‌های مالی از زن، کنترل دائمی مخارج زن و ندادن نفقه و تأمین مخارج زندگی و همچنین پنهان کردن درآمد خود از زن دید (اعزاز، ۱۳۸۰، ۱۲). پژوهش‌های انجام‌شده بیشتر در رابطه با خشونت علیه زنان در ابعاد روانی، اجتماعی، فیزیکی و جنسی بوده است و توجه چندانی به بررسی خشونت اقتصادی علیه زنان در خانواده‌ها نشده است. سحر امیری، در مقاله‌ای به بررسی عوامل مؤثر بر خشونت خانگی علیه زنان پرداخته است. نتایج حاصل از پژوهش مورد اشاره حاکیست که خشونت خانگی علیه زنان به دلایل مختلفی از جمله فرهنگی صورت می‌گیرد (امیری، ۱۳۹۷). سیدعلیرضا افشانی و الهه پور رحیمیان، نیز در مقاله‌ای الگوسازی معادلات ساختاری تأثیر سرمایه فرهنگی بر خشونت خانگی علیه زنان را مورد بررسی قرار داده‌اند. بر اساس نتایج پژوهش مورد اشاره، نتایج نشان داد که بین سرمایه فرهنگی زنان

ادامه از سازوکارهای مقابله با ابعاد اقتصادی خشونت خانگی علیه زنان بحث می‌شود.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌های تحقیق حاکی است خشونت خانگی به صورت عدم حمایت زوج از تأمین مایحتاج زوج و منع دسترسی به منابع مالی و فراتر از آن منع حق اشتغال وی صورت می‌گیرد. قانون‌گذار برای مقابله با خشونت اقتصادی خانگی، سازوکارهایی چون حق نفقه و حق اشتغال برای زنان در نظر گرفته است، اما این سازوکارها کافی به نظر نمی‌رسد. توانمندسازی زنان در قالب حرفه‌آموزی و فراهم کردن زمینه و فرصت اشتغال برای زنان در کنار فرهنگ‌سازی مهمترین سازوکارهایی است که می‌تواند در کاهش خشونت اقتصادی خانگی علیه زنان تأثیرگذار باشد. وقتی زنان از شغل و درآمد اقتصادی برخوردار هستند کمتر از لحاظ اقتصادی در معرض بزه‌دیدگی خشونت خانگی قرار می‌گیرند. ضمن اینکه آموزش و رشد فرهنگی نیز به تغییر دیدگاه مردان نسبت به زنان انجامیده و مانع استفاده مردان از حربه‌های اقتصادی جهت

و ابعاد آن (سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته، سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته و سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده) با خشونت خانگی علیه زنان رابطه معکوس و معنادار وجود دارد (افشانی و پور رحیمیان، ۱۳۹۶). همچنین، شیرین یکه‌کار و سیداحمد حسینی، در مقاله‌ای به بررسی ویژگی‌های خشونت خانگی علیه زنان و زمینه‌های فرهنگی مرتبط با آن پرداخته‌اند. بر اساس نتایج مقاله مذکور، ویژگی‌های خشونت علیه زنان در خانواده و نیز عوامل فرهنگی زمینه‌ساز آن است (یکه‌کار و حسینی، ۱۳۹۷) در پژوهش‌های مورد اشاره عموماً به خشونت خانگی علیه زنان پرداخته شده است. در مقاله حاضر اما تلاش شده به بررسی خشونت اقتصادی علیه زنان در خانواده پرداخته شود. خشونت اقتصادی علیه زن در خانواده، همواره مورد توجه جامعه جهانی خصوصاً مدافعان حقوق زنان بوده و شمار زیادی از اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای سازمان ملل را به خود اختصاص داده است. با توجه به این‌که این پدیده ناخوشایند در اصلی‌ترین نهاد اجتماع که جایگاه رشد، تربیت و جامعه‌پذیری افراد است؛ رخ می‌دهد، لذا شناسایی این پدیده، پی بردن به علل و عوامل و یافتن راهکارهای مبارزه و مهار آن و نیز ارائه راه‌های پیشگیرانه و درمان و اصلاح عوامل و بزه‌دیدگان آن، ضروری است. سوالی مهمی که در مقاله حاضر مطرح و بررسی می‌شود این است که سازوکارهای مقابله با ابعاد اقتصادی خشونت خانگی علیه زنان چیست؟ به منظور بررسی سؤال و فرضیه مورد اشاره ابتدا، به بحث نظری پرداخته می‌شود و در

اعمال فشار و خشونت علیه زنان در محیط خانواده می‌شود.

۵. بحث

۵-۱. خشونت / خشونت اقتصادی

خشونت را می‌توان عملی آسیب‌رسان دانست که فرد یا گروه برای پیشبرد مقاصد خود انجام می‌دهند. مرکز بهداشت جهانی خشونت را بدین صورت تعریف می‌کند: «استفاده عمدانه از نیروی جسمی یا قدرت، به صورت تهدیدآمیز یا واقعی، علیه خود، دیگری با گروه یا جامعه‌ای که موجب آسیب، مرگ، آسیب روانی، عقب‌افتادگی رشد یا محرومیت می‌شود یا احتمال این رخدادها را بسیار بالا می‌برد» (گزارش جهانی در مورد خشونت و سلامت، ۲۰۰۲، ۳). بنابراین اصطلاح خشونت علیه زنان در پژوهش‌های حقوقی، اولین بار در نظام حقوق جزایی کشورهای غربی مطرح شد. با توجه به اهمیت خشونت علیه زنان، از همان آغاز تأسیس سازمان ملل متحد در ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵، ارتقای حقوق زنان و ایجاد فضای برابر برای آنان از اهم تلاش‌های سازمان ملل قرار گرفت. نخستین سند حقوق بین‌المللی که به‌طور ویژه مبارزه با خشونت علیه زنان را هدف اصلی خود قرارداد اعلامیه رفع خشونت علیه زنان در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ بود که در طی قطعنامه ۴۸/۱۰۴ در مجمع عمومی سازمان ملل تصویب شد. این قطعنامه در یکی از مواد خود به تعریف خشونت علیه زنان پرداخته است:

«خشونت علیه زنان، پدیده‌ای است که در آن، زن به سبب جنسیت خود از سوی جنس مخالف، مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرد. اگر این رفتار در چارچوب خانواده و میان زن و شوهر رخ دهد از آن به‌عنوان خشونت خانگی یاد می‌شود».

مرکز پایان به خشونت علیه زنان، وابسته به سازمان ملل، خشونت علیه زنان را در چهار قسم جسمی، جنسی، عاطفی و اقتصادی طبقه‌بندی می‌کند. رایج‌ترین اشکال جهانی شامل خشونت خانگی و شریک زندگی صمیمی، خشونت جنسی (از جمله تجاوز جنسی، آزار جنسی) و خشونت عاطفی / روانی است. خشونت اقتصادی یکی از اقسام خشونت است که علی‌رغم اینکه هم‌اکنون در جامعه و خانواده، به یک موضوع چالش‌برانگیز تبدیل شده است، در پژوهش‌های حقوقی کمتر مورد توجه قرار گرفته شده است. سازمان بهداشت جهانی آن را نوعی خشونت جمعی تعریف می‌کند که توسط گروه‌های بزرگ‌تر نسبت به افراد اعمال می‌شود.^۱ مصادیق خشونت اقتصادی شامل مواردی همچون موارد ذیل می‌شود: «دسترسی محدود به وجوه و اعتبار، کنترل دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی، اشتغال، آموزش، تصمیم‌گیری مالی و قوانین سنتی تبعیض‌آمیز در مورد ارث و حقوق مالکیت، پاداش نابرابر به زنان در محل کار در قبال کار مساوی یا دستمزد کمتر به زنان در قبال کار بیشتر از مردان، به‌کارگیری زنان جهت کار بدون دستمزد یا کار خارج از توافق‌نامه قرارداد، رها

committed by larger groups of individuals and can be subdivided into social, political and economic violence.

¹ Definition and typology of violence, World Health Organization / Violence Prevention Alliance, retrieved 2015-0202, Collective violence refers to violence

کردن امرارمعاش خانواده و... خشونت اقتصادی منجر به تعمیق فقر و از بین رفتن فرصت‌های آموزش و رشد برای زنان می‌شود. همچنین در مواردی، خشونت جسمی را به دنبال دارد؛ بهره‌برداری جنسی و خطر ابتلا به عفونت ایدز، بیماری مادر و مرگ‌ومیر و قاچاق زنان و دختران از این جمله‌اند» (اولوفونمیلايو، ۲۰۰۸، ۲). بر اساس آنچه گفته شد خشونت اقتصادی علیه زنان زمانی است که همسران در زمینه مالی و یا مادی قربانی طرف مقابل خود می‌شوند. در چنین شرایطی، مردان در زمینه به اصطلاح تأمین مخارج و یا تأمین آنچه نفقه نامیده می‌شود طرف مقابل را به سختی می‌اندازند و او را به اصطلاح از لحاظ مالی تحت فشار قرار می‌دهد تا بتوانند به اهداف خود دست پیدا کنند. این اهداف می‌توانند متقاعد کردن و کنترل کردن همسر باشد. خشونت مالی به همسر از شایع‌ترین انواع آزار به همسران است که البته عمدتاً نوعی خشونت پنهان است. در خشونت اقتصادی، زنان نیروی کار بی‌جیره و مواجب هستند و باید تا آخر عمر از خانواده خود مراقبت کنند بی‌آنکه امنیت اقتصادی داشته باشند. آنان دسترسی به منابع اقتصادی ندارند و به همین دلیل تا آخر عمر کاملاً وابسته به مرد خانواده یا افراد ذکور باقی می‌مانند.

۵-۲. نظریه منابع

نظریه منابع مبنای نظری مقاله حاضر است. نظریه منابع توسط ویلیام گود در سال ۱۹۷۱ مطرح شد که بر این مهم تأکید دارد که اغلب مردان منابع دست‌آوردن قدرت در روابط خانوادگی تأکید دارد. بر این اساس، اگر منابع در دسترس فرد فراوان باشد فرد دارای قدرت بیشتری است. اما عملاً کمتر

اقتصادی را در دست دارند همین امر موجب برتری آنها در خانواده و همچنین روابط خانوادگی آنها می‌شود. در حالی که زنان از لحاظ منابع اقتصادی وابسته به همسران خود هستند. همچنین از آنجایی که زنان مراقبت از فرزندان خود را نیز بر عهده دارند اگر بخواهند مردان خود را ترک کنند با مشکلات اقتصادی زیادی روبه‌رو خواهند شد که ترجیح می‌دهند رفتارهای خشونت‌بار و خشن را تحمل کنند (اعزازی، ۱۳۸۰، ۲۸). وابسته بودن زنان به این معنا است که آنها دسترسی کمتر و محدودتری به منابع دارند، به همین دلیل نمی‌توانند بر مردان قدرت داشته باشند. پژوهش تجربی در ایران نشان می‌دهد که افزایش منابع قدرت مهم‌ترین عامل برای روبرو شدن با خشونت مردان است. زنان به دلیل فقدان منابع قدرت مانند منابع مالی، رفتارهای خشونت‌آمیز مردان را پذیرا می‌باشند (صالحی و مهرعلیان، ۱۳۸۵، ۷۳). بسیاری از پژوهش‌های انجام‌شده در این نظریه نشان دادند که میان اشتغال زنان و نحوه تقسیم‌کار بین زن و مرد در حیطه خانواده رابطه وجود دارد. به عبارتی اشتغال زن موجب می‌شود که مردان مشارکت بیشتری در رسیدگی به کار در خانه داشته باشند. همچنین مشارکت زنان در زمینه امور مالی و تصمیم‌گیری افزایش خواهد یافت (صالحی و مهرعلیان، ۱۳۸۵، ۷۴).

«نظریه منابع» بر منابع مختلف افراد جهت به دست آوردن قدرت در روابط خانوادگی تأکید دارد. بر این اساس، اگر منابع در دسترس فرد فراوان باشد فرد دارای قدرت بیشتری است. اما عملاً کمتر

از خشونت در روابط استفاده می‌کند. بنابراین خشونت یک منبعی مانند اعتبار شخصی و پول است، با این وجود وقتی مورد استفاده قرار می‌گیرد که منابع دیگر کارایی لازم را ندارند، یا در کسب پاسخ‌های مطلوب موفق نیستند. لذا افراد فاقد منابع دیگر مانند تحصیلات و درآمد احتمالاً بیشتر از خشونت به‌عنوان یک منبع جهت به دست آوردن قدرت در روابط خانوادگی استفاده می‌نمایند. بنابراین بر اساس نظریه منابع، می‌توان متغیرهایی چون سطح تحصیلات، درآمد و اشتغال را زمینه‌ساز خشونت علیه زنان در خانواده استنباط نمود (اعزازی، ۱۳۸۵، ۳۸). بدین ترتیب با بررسی نظریه منابع می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد: ۱- هر یک از همسران که در خانواده به منابع و سرمایه‌های بیشتری دسترسی داشته باشد می‌تواند سهم بیشتری در تصمیم‌گیری داشته باشد بنابراین افزایش منابع قدرت برای زنان خود عامل مهمی برای مقابله با خشونت مردان علیه زنان است. ۲-

از خشونت زنان ممکن است فرصت‌هایی برای آن‌ها ارائه کند که زنان خانه‌دار فاقد آن می‌باشند به‌واسطه اشتغال، احتمالاً زنان بیشتر درگیر فعالیت‌ها و روابط اجتماعی خارج از خانه می‌شوند. ممکن است منابع شوهر به‌اندازه منابع زن بااهمیت باشد، اما احتمال دارد فرصت‌های زن افزایش یابد و پاداش بیشتری دریافت کند که منجر به کاهش قدرت شوهر گردد.

۳-۵. سازوکارهای قانون‌گذار در مقابله با

ابعاد اقتصادی خشونت خانگی

۳-۵-۱. نفقه

خشونت اقتصادی علیه زنان در سطح خانواده و در رابطه زن و شوهری را می‌توان یکی از شایع‌ترین شکل خشونت اقتصادی عنوان کرد. این پدیده باعث کاهش ظرفیت قربانی برای حمایت از خود و وابسته شدن او به شریک دیگر شود. نفقه یکی از تکالیف مالی قطعی اسلام است که باهدف حمایت و تأمین اقتصادی زوجه بر عهده زوج قرار می‌گیرد. برای تعریف نفقه زوجه، حقیقت شرعیه وجود ندارد؛ بلکه شرع محدوده آن را به عرف واگذار کرده است (مغنیه، ۱۴۲۱، ۳۱۳). نفقه زن در صورت وجود شرایطی بر مرد واجب است و در اصل وجوب نفقه، بین عموم فقها اختلافی دیده نمی‌شود (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۱، ۳۰۱). آنچه مورد اختلاف است، مصادیق نفقه و ملاک نوع و میزان آن است. برخی فقها مانند اراکی و علامه حلی مصادیق نفقه را منحصر به طعام، خادم، وسایل نظافت زن، لباس، وسایل طبخ و شرب، فراش

(زیرانداز و ملحفه) و مسکن می‌دانند (علامه حلی، ۱۴۱۰، ۳، ۳۳؛ اراکی، ۱۴۱۳، ۲۸۴). این گروه از فقها به‌ظاهر بعضی روایات در باب نفقه زوجه استناد کرده، با عمل طبق حجیت ظواهر و نصوص، به محدود بودن موارد نفقه فتوا داده‌اند. آن‌ها معتقدند این مدعا که روایات، منصرف به موارد عرفی در آن زمان است، بدون دلیل است و متبادر از روایات، همین موارد محدود است؛ بنابراین، اوامر ظاهر در وجوب را در سایر آیات و روایات، مانند «عاشروهن بالمعروف» (نساء/۱۹) یا «لینفق ذو سعه من سعته» (طلاق/۷) باید بر استحباب حمل کرد (اراکي، ۱۴۱۳، ۲۸۴).

اما اکثر فقهای امامیه (اعم از متقدمان و متأخران معتقدند نفقه زوجه شامل تمامی نیازهای متعارف زن در آن سرزمین است و درواقع هیچ محدودیتی در مصادیق نفقه زوجه قائل نشده‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۴۶۹). وسعت در حدود نفقه تا حدی است که برخی از این فقها، هزینه تمامی داروهای مورد نیاز و انواع معالجات زوجه را بر عهده زوج می‌دانند و برخی نظیر نجفی (۱۴۰۴، ۳۳۷) و امام خمینی (۱۳۹۰، ۳۱۶) اظهار می‌دارند هزینه دارو و معالجات متعارفی که احتیاج به آن‌ها به دلیل بیماری‌هایی که اکثر مردم به آن مبتلا می‌شوند فراوان است، بر عهده زوج است؛ اما هزینه داروهایی که در معالجات سخت استفاده می‌شود و احتیاج به آن‌ها اتفاقی است، بر عهده زوج نیست. بر این اساس، داروهای متعارفی که مورد نیاز است و کمتر شخصی از آنها بی‌نیاز است، جزء نفقه محسوب می‌شود، ولی ظاهر آن است که هزینه‌های درمان

امراض سخت، که به‌ندرت اتفاق می‌افتد، جزء نفقه نیست، به‌خصوص اگر برای هزینه معالجه این امراض شوهر مجبور به خرج کردن مال زیادی باشد. اما به نظر می‌رسد نیاز به دارو و پزشک مهمتر از نیاز به لباس و مسکن و خادم است و و از وجوب این موارد بر ذمه مرد می‌توان نتیجه گرفت که نفقه درمان امراض سخت نیز به طریق اولی باید واجب باشد. از طرفی مرد می‌تواند از باب عمل به اخلاق و وجدان هزینه درمان زن را برعهده گیرد. پس می‌توان گفت که عرف تعیین‌کننده میزان نفقه است، زیرا هرگاه در شرع واژه‌ای تعریف نشده باشد و حقیقت شرعی هم برای آن وجود نداشته باشد، تعریف آن واژه به عرف واگذار می‌شود.

فقهای معتقد به عدم حصر موارد نفقه، برای اثبات مدعای خود دلایلی را برمی‌شمارند:

۱. استناد به عرف و عادت که در آیاتی همچون «عاشروهن بالمعروف» و «امساک بالمعروف» آمده است (محقق سبزواری، ۱۴۲۳، ۳۰۰).

۲. آیات و روایاتی که در باب نفقه ذکر شده، در مقام حصر مصادیق نفقه نیست و در روایات مختلف، مصادیق متفاوت نفقه ذکر شده است و مثلاً در یک روایت، طعام و لباس آمده و در روایت دیگر وسایل تنظیف نیز اضافه شده است (ترحینی عاملی، ۱۴۲۷، ۶۲۳). محدود کردن نیازهای زن، صحیح و منطقی نیست؛ چراکه نیازها برحسب پیشرفت جوامع، تغییر می‌کند و نیازهایی به وجود می‌آید که قبلاً نبوده است. بنابراین، مصادیقی که در روایات ذکر شده، از باب غلبه است.

۳. صاحب جواهر درباره عدم انحصار مصادیق نفقه، به‌گونه‌ای متفاوت از دیگر فقها استدلال می‌کند: «اگر معیار در محدوده مصادیق نفقه، خصوص طعام، لباس و مسکن است، دلیلی برای به‌حساب آوردن مواردی از جمله خادم و زیرانداز در نفقه زوجه وجود ندارد؛ اما اگر معیار، معاشرت به معروف باشد، حصری برای موارد نفقه وجود ندارد و تمام نیازهای زن با مراعات عادت او و شرایط زمان و مکان، داخل در موارد نفقه خواهد بود. بنابراین، بهتر است معیار را در محدوده مصادیق نفقه، عادت زنان امثال زوجه در سرزمین محل سکونتش بدانیم» (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۳۷). با نظر به دلایل موجود، چنین به نظر می‌رسد که برآوردن تمام نیازهای عرفی زن بر عهده شوهر است و مصادیق آن در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون خواهد بود و آنچه فقها مطرح کرده‌اند نیز برای بیان موارد رایج و عرفی در عصر خودشان بوده است.

اکثر فقهای امامیه، ضابطه را در مقدار طعام، رفع گرسنگی؛ در نوع غذا، قوت غالب سرزمین محل سکونت زوجه یا عادت امثال او در سرزمین محل سکونتش؛ و در دیگر موارد نفقه - به‌جز خادم که یکی کافی است - عادت امثال زوجه در سرزمین محل سکونتش می‌دانند (مغنیه، ۱۴۲۱، ۳۹۲؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۳۳۳). آیاتی چون «عاشروهن بالمعروف» و «إمساك بمعروف أو تسريح بإحسان» (بقره/۲۲۹) نیز مؤید عرفی بودن نفقه است. بنابراین مصادیق و میزان نفقه متغیر است و ملاک آن برای زوجه، عادت زنان امثال زوجه در محل سکونت اوست. همچنین نفقه به‌تمامی زنان متأهل

تعلق می‌گیرد؛ چه فقیر باشد یا غنی، باز هم مستحق نفقه است.

در صورتی که نیازهای عرفی زن از طرف زوج تأمین نشود، زوجه مجبور به تأمین آن از راه تلاش چند برابر و ایفای نقش‌های چندگانه است و این مطلب، مستلزم منافات با برخی وظایف واجب زن نسبت به همسر و برخی از نقش‌های خطیر او، همچون اداره امور منزل، تربیت و نگهداری فرزندان و... می‌شود که بسیار بر آن‌ها توصیه شده است؛ زیرا در نظام اسلامی، بر حضور مفید و مؤثر زن در خانواده برای رسیدگی به همسر و فرزندان تأکید شده است (اصفهانی (مجلسی دوم)، ۱۴۱۰، ۴۳، ۳۱) و در صورتی که زن دغدغه تأمین نیازهای اولیه اقتصادی خود را داشته باشد، نقش کم‌رنگی در مقام مادر و همسر در خانه ایفا خواهد کرد.

مطابق ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی ایران، نفقه عبارت است از: همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض. ملائت و توانایی اقتصادی مرد یا وضعیت خانواده پدری زن، ملاکی برای تعیین میزان نفقه نیست». بر اساس ماده مذکور، تأمین همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن موردنظر است و در این خصوص ارکان و اجزایی که در این ماده بیان شده است جنبه انحصاری ندارد و صرفاً به‌عنوان مثال آورده شده اما هر آنچه که طبق عرف و رسوم جاری جامعه مورد احتیاج زن باشد نفقه وی به‌حساب می‌آید و شوهر بایستی به‌عنوان رئیس خانواده که

وظیفه تأمین معاش زن و فرزندان خود را بر عهده دارد تمامی نیازهای مادی متناسب با عرف را در زندگی برای زن فراهم کند (خاتونی پودینه، ۱۳۹۸، ۴۵).

مطابق ماده ۱۱۱۱ قانون مدنی زن می‌تواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه، به دادگاه رجوع کند. در این صورت دادگاه میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد. همچنین، طبق ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجرای حکم محکمه و الزام او به دادن نفقه، زن می‌تواند برای طلاق به دادگاه رجوع کند و حاکم شوهر را اجبار به طلاق می‌نماید.

بنابراین، ضمانت اجرای حقوقی عدم پرداخت نفقه زن ناظر به حالتی است که زن از طریق دادگاه‌های حقوقی اقدام به ارائه دادخواست حقوقی مطالبه نفقه و توقیف اموال بابت نفقه نموده و نفقه خود را مطالبه می‌کند که در این حالت در صورت وجود شرایط تعلق نفقه به زن، مرد موظف به پرداخت نفقه به وی خواهد شد.

عدم پرداخت نفقه، علاوه بر ضمانت اجرای حقوقی عدم پرداخت نفقه، ضمانت اجرای کیفری نیز خواهد داشت. در حال حاضر مطابق ماده ۶۴۲ قانون تعزیرات، هرکس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد، یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه امتناع نماید، دادگاه او را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می‌نماید. بنابراین، ضمانت اجرای کیفری عدم پرداخت نفقه زن در صورت تحقق جرم ترک

انفاق، حبس از سه ماه و یک روز تا پنج ماه تعیین شده است (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۸، ۸۹). در حال حاضر با تصویب ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده، این ماده نسخ شده است. بر اساس این ماده «هرکس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه امتناع کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت وی از شکایت، در هر زمان تعقیب جزایی یا اجرای مجازات موقوف می‌شود. بر اساس تبصره این ماده نیز امتناع از پرداخت نفقه زوجه‌ای که به موجب قانون مجاز به عدم تمکین است و نیز نفقه فرزندان ناشی از تلقیح مصنوعی یا کودکان تحت سرپرستی مشمول مقررات این ماده است.

در جرم ترک انفاق برای این که فرد به خاطر عدم پرداخت نفقه مجازات شود باید شرایطی وجود داشته باشد از جمله: اگر باوجود وضعیت مناسب مالی از دادن نفقه خودداری کرده باشد. یا ثابت شود که زن از مرد خود تمکین کرده است در این صورت قانون مرد را به حبس از سه ماه و یک روز تا پنج ماه حکم خواهد داد. اگر مرد ثابت کند زن از او تمکین نکرده است نه تنها مجازاتی برای او در نظر گرفته نمی‌شود بلکه او دیگر مکلف به پرداخت نفقه به زن نمی‌باشد.

۵-۳-۲. پذیرش حق اشتغال زن

خشونت اقتصادی یک گام فراتر از عدم حمایت اقتصادی است و در واقع شامل مانع شدن در اشتغال

زن تلقی می‌شود. خشونت اقتصادی تنها شامل اعمال فشار اقتصادی و عدم حمایت اقتصادی از زوجه نیست بلکه شامل منع دسترسی بر زوجه برای کسب درآمد، منابع مالی یا مقدمات آن نظیر آموزش و اشتغال نیز هست. این در حالی است که اسلام حق اشتغال زن را مورد تأیید قرار داده و در این خصوص بر سایر مکاتب سبقت گرفته است. یکی از دلایلی که بر جواز اشتغال زوجه، دلالت می‌کند، آیه ۳۲ سوره نساء ذیل می‌باشد: «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا؛ برای مردان از آنچه به اختیارات کسب کرده‌اند بهره‌ای است و برای زنان نیز از آنچه به اختیارات کسب کرده‌اند بهره‌ای است..»؛ استدلال این آیه بر واژه «اكتسبن» است. این کلمه از «كسب» به معنای «به دست آوردن فایده» گرفته شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ۴۳۰). «اكتساب» نیز به همین معنا می‌باشد. در اسلام زن و به‌ویژه زوجه دارای استقلال مالی و دارای حق تملک اقتصادی است البته حضور زوجه در خارج از منزل مقید به حفظ مصالح خانواده شده و منوط به موافقت زوج است. البته از حکم شریعت اسلام در خصوص لزوم موافقت زوج با اشتغال زوجه نباید اشتباه برداشت شود. این حکم ناظر به مواردی است که اشتغال زوجه موجب آسیب به حقوق اصلی زوج شود و زوج نمی‌تواند از این موضوع سوءاستفاده نماید (دیلمی و خدادپور، ۱۳۸۷، ۱۲۶-۱۱۱).

اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از اصولی است که حقوق برابری را صرف‌نظر از جنسیت برای افراد جامعه بر عهده دولت نهاده

است و مقرر می‌دارد: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد...۶. مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش؛ ۷. رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی؛ ۸. پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیر بیمه؛ ۹. تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون»

بدین‌سان اصل سوم قانون اساسی بدون تأکید بر لفظ تساوی و برابری، دولت را موظف به فراهم نمودن کلیه امکانات مادی و معنوی برای عموم بدون تبعیض جنسیتی نموده و به‌طور ضمنی مساوات را برای عموم بدون تبعیض جنسیتی جهت بهره‌وری از امکانات پذیرفته است.

در اصل ۲۱ قانون اساسی که برای تأکید بر حقوق زن تدوین شده آمده است: «دولت موظف است تا حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد: ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او...». تعبیر حقوق زن در تمام جهات، یک تعبیر عام است و یکی از مصادیق آن حق اشتغال است. در اصل ۲۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چنین آمده است که:

آیا شغلی منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن است یا نه، ضابطه‌ی کلی نمی‌توان نتیجه گرفت. این امر برحسب زمان و مکان و وضع خانواده تفاوت می‌کند و تشخیص آن با عرف است و دادرس در این خصوص باید به عرف رجوع کند.

۴-۵. الزامات مقابله با ابعاد اقتصادی خشونت

خانگی

با وجود تمهیدات قانون‌گذار اما نمی‌توان منکر خشونت اقتصادی علیه زنان در محیط خانواده شد. به نظر می‌رسد مقابله با این پدیده نیازمند الزاماتی است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۵-۱. توانمندسازی مالی زنان و آموزش

حرفه

نظریه‌های توانمندسازی خواستار قدرت دادن به زنان نه به معنای برتری یک فرد بر فرد دیگر، بلکه به معنای افزایش توان آن‌ها برای اتکا به خود و گسترش حق انتخاب در زندگی هستند (کتابی و همکاران، ۱۳۸۲، ۲۲). برای توانمندسازی زنان باید پنج مرحله را طی کرد که عبارت‌اند از: رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت و کنترل. در مرحله‌ی رفاه، رفاه مادی زنان (مانند تغذیه و درآمد) بررسی می‌شود. در این مرحله از توانمندسازی، رفع تبعیض بین زنان و مردان مدنظر قرار می‌گیرد. در مرحله دسترسی، زنان باید به عوامل تولید مانند زمین، کار، سرمایه، کارهای مولد درآمد، خدمات، آموزش‌های مهارت‌زا که استخدام و تولید را ممکن می‌سازد و محصول و دسترنج خود دسترسی داشته

«هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه‌ی افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید». این اصل با تعبیر "هرکس" حکم عامی را بیان نموده و بین زن و مرد فرقی قائل نشده است. در اصل ۴۳ قانون اساسی، بند دوم و چهارم می‌بینیم که: «۲- تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به‌منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه‌ی کسانی که قادر به کارند... ۳- رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری». که با تعبیر "همه و افراد" بر حق تمام افراد چه مردان و چه زنان در اشتغال تأکید شده است».

در ماده ۶ قانون کار نیز آمده است: «همه افراد، اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون کار قرار دارند و هرکس حق دارد شغلی را که به آن تمایل دارد و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند». پس در چارچوب احکام اسلامی و مصالح عمومی و حقوق دیگران و در قوانین موضوعه، حق کار زن به رسمیت شناخته شده است (حجتی اشرفی، ۱۳۷۴، ۳۲). در قانون مدنی نیز مسئله کار و اشتغال زن در برخی موارد بیان گردیده است؛ برای مثال در ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی آمده است که: «شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه و یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات زن یا مرد باشد، منع کند». درباره‌ی اینکه

(وایاس و واتس، ۲۰۰۹، ۱۲۷؛ وایاس و مبوامبو، ۲۰۱۷، ۱۲).

در ماده ششم کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان آمده است: «دولت‌های عضو باید اقدامات لازم را برای ارتقای برنامه‌ها و فعالیت‌های توانمندسازی زنان به عمل آورند.» توان‌افزایی زنان، یکی از پیش‌زمینه‌های ضروری برای تحقق تغییرات بنیادین در رابطه با حقوق بشر زنان و ارتقای برابری جنسیتی از جمله پیشگیری از ارتکاب خشونت علیه زنان است. در حال حاضر، هنوز هم عمدتاً دستمزد زنان، کمتر از مردان است. همچنین مشارکت زنان در امور سیاسی و عمومی هنوز هم تا حد مطلوب، فاصله زیادی دارد، به طور نمونه اکنون در حدود ۱۶،۶ درصد؛ یعنی از هر ۶ نفر، یک زن، در کمپانی‌ها و شرکت‌های عمومی بزرگ اشتغال دارند و ۲۷ درصد از کرسی‌های پارلمان در کشورهای اروپایی را نیز زنان به خود اختصاص می‌دهند (کمیسیون اروپایی، ۲۰۱۳، ۵۴؛ ساداتیان، ۱۳۹۳، ۲۴).

توان‌افزایی سیاسی و اقتصادی زنان، برای ایجاد ظرفیت‌های لازم در زنان و کاهش میزان آسیب‌پذیری آنان در قبال معضل ارتکاب خشونت، بسیار مهم و ضروری قلمداد می‌شود. ارتقای مشارکت زنان در سطوح مدیریتی عالی و مناصب تصمیم‌سازی می‌تواند نقش مؤثری در تصویب برنامه‌ها، سیاست‌ها و قوانین حمایتی از زنان در قبال ارتکاب اشکال مختلف خشونت، داشته باشد (هتون و ولدون، ۲۰۱۲، ۵۶۹-۵۴۸).

باشند. در مرحله‌ی آگاهی، زنان باید تشخیص دهند که مشکلات آن‌ها ناشی از کمبودهای شخصی‌شان نیست بلکه نشأت گرفته از نقش‌های جنسیتی مربوط به فرهنگ است و به همین دلیل قابل تغییر است. آگاهی در این مفهوم به معنی باور داشتن برابری است. در مرحله‌ی مشارکت زنان در تمام برنامه‌های مربوط به خود شرکت می‌کنند و مشارکت آن‌ها باید با شمار آن‌ها در جامعه متناسب باشد. برابری در کنترل به معنی توازن قدرت بین زنان و مردان است (قلی‌پور و رحیمیان، ۱۳۸۸، ۳۶). نابرابری‌های درآمدی که به تبعیض‌های جنسیتی علیه زنان در حوزه‌هایی مانند اشتغال، درآمد، دسترسی به منابع اقتصادی و یا عدم استقلال اقتصادی مرتبط هستند، توان زنان برای عمل و تصمیم‌سازی را کاهش می‌دهند و در کنار آن آسیب‌پذیری آن‌ها به خشونت را افزایش می‌دهند.

یکی از عواملی که می‌تواند خطر بروز خشونت علیه زنان را افزایش دهد، دسترسی کم‌تر برخی از آن‌ها به منابع اقتصادی اشتغال، آموزش و پرورش یا دارایی می‌باشد که احتمال دارد آن‌ها را متحمل سوءاستفاده از دیگران قرار دهد. این عوامل سبب می‌شود که آن‌ها کمتر برای جستجوی کمک از دیگران و یا ترک رابطه خشونت‌آمیز برآیند. در نتیجه انتظار می‌رود زنانی که استقلال مالی بیشتری دارند و یا دارای شغل در بیرون از خانه هستند، در صورت مواجهه با خشونت از خدمات حمایتی اجتماعی بیشتری بهره‌مند می‌شوند

آسیب، پیش‌بینی آموزش‌های اجتماعی و ارتقاء مهارت زندگی به‌منظور مبارزه با فقر و حمایت از حقوق زنان را به‌مثابه یکی از اقدامات لازم به‌منظور ارتقای رضایتمندی عمومی مورد توجه قرار داده است. نکته مهم مکانیزم پشتیبانی مردان از یکدیگر و به حاشیه راندن زنان در بازار و محیط کار در نظام جنسیتی نابرابر قدرت است. امری که زمینه استخدام و ارتقا مردان را هموارتر کرده و شرایط رشد و فعالیت زنان در بازار کار را دشوارتر می‌کند و موجب می‌شود زنان بیشتر در رده‌های پایین شغلی قرار گیرند؛ در نتیجه این شرایط ناعادلانه موقعیت شغلی زنان را نسبت به مردان آسیب‌پذیرتر می‌کند. امری که موجب می‌شود بیکاری در زنان گسترده‌تر، شرایط استخدام و اشتغال سخت‌تر، دستمزد و مزایایشان کمتر و امنیت شغلی‌شان پایین‌تر باشد.

۵-۴-۲. آگاهی‌بخشی و آموزش فرهنگی

واقعیت تلخ خشونت علیه زنان، ریشه تاریخی دارد. به نظر می‌رسد کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان نگاه‌های تاریخی و باورهای فرهنگ‌های مختلف را در ارتباط با خشونت علیه زنان مدنظر قرار داده و به همین علت در ماده ۱۲ که تعهدات عمومی نام دارد، طی شش بند، مواردی اعلام می‌دارد که بند اول آن اقدامات بالا بردن و ارتقاء است. در این بند آمده است: «دولت‌های عضو باید کلیه اقدامات لازم را برای ارتقای تحولات در رویکردها و الگوهای اجتماعی و فرهنگی که در رابطه با مردان و زنان است؛ تا پیش‌دآوری‌ها،

ایجاد فرصت‌های اشتغال برای زنان به‌عنوان راه‌حلی برای جلوگیری از خشونت و رهایی از رفتارهای خشونت‌آمیز محسوب می‌شود. در واقع یکی از سازوکارها مقابله با خشونت اقتصادی در محیط خانواده، حرفه‌آموزی زنان است.

ماده ۱۵ کنوانسیون شورای اروپا به آموزش حرفه اختصاص دارد. بر اساس بند یکم ماده مذکور «دولت‌های عضو باید آموزش متناسب با حرفه برای قربانیان یا عاملان همه اعمال خشونت‌آمیز به‌منظور پیشگیری و تشخیص خشونت، برابری بین زنان و مردان، نیازها و حقوق قربانیان، و همچنین در مورد چگونگی جلوگیری از قربانی شدن ثانویه قربانیان فراهم سازند». همچنین در بند دوم همین ماده آمده است «دولت‌های عضو باید تشویق کنند که آموزش مذکور در بند ۱ دربرگیرنده آن دسته از کمک‌های آموزشی است که با هماهنگی و همکاری آژانس‌هایی است که برای دست یافتن به تعریفی جامع و مقتضی در مورد خشونت، اجازه فعالیت دارند».

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به ارتقا و توانمندسازی زنان اشاره داشته از جمله اصل دوم که بیان می‌کند به‌منظور کاهش فقر محرومیت استقرار عدالت بر تعیین خط فقر و تبیین برنامه‌های توانمندسازی متناسب طراحی برنامه ویژه اشتغال، توانمندسازی، آموزش مهارت شغلی و مهارت زندگی و اتخاذ رویکرد توانمندسازی بر اساس الگوی نیازهای اساسی توسعه تأکید شده و به‌منظور پیشگیری از کاهش آسیب‌های اجتماعی محورهای توانمندسازی افراد و گروه‌های در معرض

تمام سطوح آموزش و پرورش اجرا کند». همچنین «دولت‌ها باید اقدامات لازم را برای ترویج اصول اشاره شده در بند ۱ در امکانات آموزشی غیررسمی، همچنین در ورزش، امکانات فرهنگی و تفریحی و رسانه‌ها را انجام دهد.»

رسانه‌ها از جمله ابزارهای آگاهی‌بخشی و آموزش فرهنگی در زمینه مقابله با خشونت اقتصادی خانگی علیه زنان هستند. رسانه‌ها که شکل قالب آن وسایل ارتباط جمعی است، افکار، عقاید، ارزش‌ها و رفتارهای جدیدی را در میان افراد جامعه به وجود می‌آورند و از طریق ارائه درست یا نادرست مطالب، باعث جهت‌گیری افراد می‌شوند. قدرت و شدت نفوذ رسانه‌ها در گیرنده، بستگی به اعتبار فرستنده، شکل و چگونگی ارائه پیام، شرایط و خصوصیات خاص گیرنده پیام دارد، این وسایل در افراد مختلف از نظر سطوح اجتماعی، تأثیرهای متفاوتی دارند (رشیدی و شاملو، ۱۳۹۵، ۴). به‌طور کلی افراد طبقات بالا، متوسط و تحصیل‌کرده، دارای جهان‌بینی خاصی هستند که به‌سادگی با پیام رسانه تغییر نمی‌کند، اما افراد طبقات پایین در مقابل رسانه‌ها بسیار تأثیرپذیرند. امروز بر هیچ‌کس پوشیده نیست که رسانه‌ها می‌توانند آثار بسیار زیادی در ایجاد و تغییر هنجارها و ارزش‌ها در عرصه اجتماع داشته باشند. برخی از مهم‌ترین اقداماتی که در راستای پیشگیری از ارتکاب خشونت مبتنی بر جنسیت، از طریق رسانه‌ها می‌تواند اتخاذ شود، عبارت‌اند از: آموزش جوانان (که کاربران اصلی رسانه‌ها هستند برای شناخت آثار منفی خشونت بر زنان و دختران از طریق

عرف‌ها، سنت‌ها و تمامی رویه‌های دیگر که مبتنی بر آسیب‌پذیری و پستی زنان و نقش‌های کلیشه‌ای زنان و مردان است، ترتیب دهند». کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان دولت‌ها را در بند اول ماده ۱۳ به‌طور منظم موظف و متعهد کرده اقدامات ضروری برای ارتقاء آگاهی و مبارزه با خشونت علیه زنان را در تمام سطوح برنامه‌ریزی کند. بدین منظور همکاری با سایر نهادها و سازمان‌های حقوق بشر، جامعه مدنی، سازمان‌های غیردولتی مخصوص سازمان‌های مربوط به زنان را توصیه کرده و در ضرورت افزایش آگاهی و فهم عمومی و تأثیر آن را بر روی کودکان را مورد توجه قرار داده است» همچنین در بند دوم ماده سیزدهم کنوانسیون، از دولت‌های عضو خواسته شده باید از انتشار گسترده‌ی اطلاعات در میان عموم مردم در مورد اقدامات در دسترس برای جلوگیری از اعمال خشونت‌آمیز اطمینان حاصل کنند. همچنین دولت‌های متعهد و عضو کنوانسیون در حوزه آموزش‌های رسمی و غیررسمی باید به‌صورت جدی وارد شوند. اقدامات جدی پیش‌بینی شده را می‌توان بر اساس بند یک ماده ۱۴ کنوانسیون بر این‌گونه است که «متعهد باید در صورت لزوم، اقدامات لازم شامل تدریس مواد آموزشی در مورد مسائلی مانند برابری بین زنان و مردان، نقش‌های جنسیتی غیرکلیشه‌ای، احترام متقابل، حل اختلاف به‌طور غیرخشونت‌آمیز در روابط میان فردی، خشونت‌های مبتنی بر جنسیت علیه زنان و حق تمامیت شخصی، متناسب با ظرفیت در حال تحول از آموزش‌گیرندگان، در برنامه‌های درسی رسمی در

ارتکاب خشونت علیه زنان، میسر نخواهد بود (خسروی و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۱۲). یکی از مهم‌ترین اقدامات به‌منظور افزایش مشارکت مردان در این زمینه، برقراری موازنه میان زنان و مردان و مقابله با تقسیم قدرت نابرابر میان زنان و مردان در عرصه‌های مختلف خانوادگی و اجتماعی است.

۶. نتیجه

در مقاله پیش رو به بررسی این سوال پرداخته شد که سازوکارهای مقابله با ابعاد اقتصادی خشونت خانگی علیه زنان چیست؟ نتایج بررسی‌ها نشان داد توانمندسازی زنان و فرهنگ‌سازی مهم‌ترین سازوکارهای مقابله با ابعاد اقتصادی خشونت خانگی علیه زنان است. خشونت اقتصادی اقدامات زوج علیه زوجه است که موجب ایجاد فشار اقتصادی و منع دسترسی به منابع اقتصادی و مالی زوجه شود. اعمال خشونت اقتصادی علیه زنان از قبیل کنترل حساب‌های بانکی، عدم اجازه به اشتغال زنان و وابسته نگه‌داشتن آنان به مردان خود زمینه‌ها و چرخه‌های خشونت را بازتولید می‌کند. زیرا معمولاً زنانی که از نظر مالی ناتوان و از بازار کار، اشتغال و استقلال مالی وامانده‌اند، فرمانبرتر از زنان دیگر هستند و در نتیجه چاره‌ای جز تحمل رفتارهای خشن مردان ندارند. شغل و درآمد مکفی برای این دسته از زنان به‌عنوان ابزاری شناخته می‌شود تا از طریق آن‌ها از یوغ خشونت همسرانشان رهایی یابند. قانون‌گذار در راستای مقابله با خشونت خانگی، نفقه و حق اشتغال زنان را به رسمیت شناخته است اما این سازوکارها نیز

رسانه‌ها؛ ساخت برنامه‌هایی درخصوص انعکاس دادن آمارها و وقایع موجود در جوامع درخصوص اشکال مختلف ارتکاب خشونت علیه زنان و دختران با توجه به نقش رسانه‌ها در پیشگیری از ارتکاب خشونت علیه زنان، توصیه‌ای در سال ۲۰۱۳ در مورد برابری جنسیتی و رسانه» به تصویب رسید (شورای اروپا، ۲۰۱۳، ۲۳). اعضای کنوانسیون شورای اروپایی جلوگیری از خشونت علیه زنان با آگاهی از مفاهیم مشارکت، رسانه و بخش خصوصی، ماده ۱۷ را در کنوانسیون گنجانده‌اند. بند اول ماده ۱۷ کنوانسیون اشعار می‌دارد: «اعضای بخش خصوصی، بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات و رسانه‌ها، با احترامی که برای آزادی بیان و استقلال خود قائل‌اند، تشویق به شرکت در توضیح و اجرای سیاست‌ها می‌شوند و به مجموعه دستورالعمل‌ها و استانداردهای خود نظارتی برای جلوگیری از خشونت علیه زنان و باهدف افزایش احترام به کرامت انسانی خود می‌شوند. همچنین در بند دوم ماده ۱۷ کنوانسیون شورای اروپایی اعلام می‌دارد: «دولت‌های عضو باید برای توسعه و ترویج افزایش احترام به کرامت انسانی با همکاری با دست‌اندرکاران بخش خصوصی، مهارت لازم را در میان کودکان، والدین و مربیان در مورد چگونگی برخورد با محیط اطلاعات و ارتباطات که دسترسی به محتوای اهانت‌آمیز از طبیعت جنسی یا خشونت‌آمیز که ممکن است مضر باشد را فراهم کنند». با توجه به اینکه خشونت اقتصادی خانگی، توسط مردان علیه زنان ارتکاب می‌یابد، از این رو، بدون مشارکت مؤثر مردان، بی‌تردید، پیشگیری از

با محدودیت‌هایی مواجه است. ضمن اینکه به تنهای کافی به نظر نمی‌رسد. برای مقابله با خشونت اقتصادی علیه زنان در محیط خانواده لازم است توانمندسازی زنان در حرفه‌آموزی و کسب فرصت‌های شغلی مورد توجه قرار گیرد. زن، هنگامی که دارای درآمد است حق استفاده از آن را نیز دارد. همین امر وی را وضعیتی نسبتاً برابر با مرد قرار می‌دهد. علاوه بر این، لازم است به فرهنگ‌سازی نیز توجه شود. تبیین جایگاه زنان در خانواده و ارزش مفهوم خانه‌داری و گرمی‌داشتن زن خانه‌دار از موضوعات مهمی است که می‌تواند ذهنیت مردان نسبت به زنان را تحت تأثیر قرار داد و همین امر به کاهش خشونت اقتصادی علیه زنان در محیط خانواده شود.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش، تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

- قرآن کریم
- اراکی، محمدعلی، رساله فی نفقه الزوجه، قم، مؤسسه در راه حق، ۱۴۱۳.
- اصفهانی (مجلسی دوم)، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار، جلد چهل و سوم، بیروت، موسسه الطبع و النشر، ۱۴۱۰.
- اعزازی، شهلا، «ساختار جامعه و خشونت علیه زنان»، فصلنامه پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره چهل و هفتم، ۱۳۸۵.
- اعزازی، شهلا، خشونت خانوادگی و زنان کتک خورده، چاپ اول، تهران، نشر سالی، ۱۳۸۰.
- افشانی، سیدعلیرضا، پور رحیمیان، الهه، «الگوسازی معادلات ساختاری تأثیر سرمایه فرهنگی بر خشونت خانگی علیه زنان»، مجله پژوهش‌های مشاوره، شماره شصت و سوم، ۱۳۹۶.
- امام خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، جلد دوم، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم، ۱۳۹۰.
- امیری، سحر، «بررسی عوامل مؤثر بر خشونت خانگی علیه زنان»، مجله پژوهش‌های حقوقی قانون یار، شماره دوم، ۱۳۹۷.
- ترحینی عاملی، محمد حسین، الزبده الفقهیه فی شرح الروضه البهیة، جلد ششم، قم، دارالفقه للطباعه و النشر، ۱۴۲۷.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن محمد، مسالک الأفهام الی تنقیح شرایع الإسلام، قم، مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۳.
- حجتی اشرفی، غلامرضا، مجموعه قوانین اساسی و مدنی، چاپ دوم، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۴.
- خاتونی پودینه، زهرا، «تحلیل حقوقی جرم ترک انفاق در پرتو آرای قضایی»، همایش پژوهش‌های دینی، علوم اسلامی، فقه و حقوق در ایران و جهان اسلام، دوره دو، ۱۳۹۸.
- خسروی، محمد علی، دهشیار، حسین، ابطحی، صفی نازالسادات، «چگونگی توانمندسازی زنان در عرصه تصمیم‌گیری سیاسی در ساختار تصمیم‌گیری ملی و بین‌المللی» مجله مطالعات روابط بین‌الملل، شماره بیستم، ۱۳۹۱.
- دیلمی، احمد، خدادپور، منیژه، «سوءاستفاده از حق ریاست شوهر در منع اشتغال همسر»، فصلنامه مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان، شماره دوم، ۱۳۸۷.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات فی غریب القرآن، قم، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴.
- رشیدی، جاسم، شاملو، باقر، نقش رسانه در پیشگیری از خشونت‌های خانگی (مطالعه موردی مراجعه‌کنندگان به کلانتری ۱۶۴ قائم تهران ۱۳۹۱)، کنفرانس بین‌المللی آینده پژوهی، علوم انسانی و توسعه، اهر، ۱۳۹۵.

- ساداتیان، سپیده، شورای اروپا و پیشگیری از خشونت علیه زنان، تهران، نشر پایگاه تحلیلی - خبری خانواده و زنان، ۱۳۹۳.
- صالحی، شهریار، مهرعلیان، حسنعلی، «بررسی شیوع و نوع خشونت خانگی در زنان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهرکرد»، مجله دانشکده علوم پزشکی شهرکرد، شماره دوم، ۱۳۸۵.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، تبصره المتقین فی احکام الدین، جلد سوم، تهران، دارالفکر، ۱۴۱۰.
- قلی پور، آرین، رحیمیان، اشرف، «رابطه عوامل اقتصادی، فرهنگی و آموزشی با توانمندسازی زنان سرپرست خانوار»، شماره چهارم، ۱۳۸۸.
- کار، مهرانگیز، بررسی خشونت علیه زنان در قوانین ایران، چاپ چهارم، تهران، نشر توسعه، ۱۳۸۱.
- کتابی، محمود، یزدخواستی، بهجت، فرخی راستابی، زهرا، «توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه»، فصلنامه پژوهش زنان، شماره سوم، ۱۳۸۲.
- کلانتری، ابوالفضل، حسینی، بهاره السادات، میروحیدی، وحید، «جرم ترک انفاق به همسر و آسیب شناسی مجازات حبس در این جرم»، مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره پنجم، شماره سوم، ۱۳۹۸.
- محقق سبزواری، محمد باقر بن محمد مؤمن، کفایه الأحکام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۳.
- مغنیه، محمدجواد، الفقه علی المذاهب الخمسه، جلد دوم، بیروت، دارالتیاریج جدید، ۱۴۲۱.
- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، جلد سی و یکم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴.
- یکه کار، شیرین، حسینی، سیداحمد، «ویژگی های خشونت خانگی علیه زنان و زمینه های فرهنگی مرتبط با آن»، مجله پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، شماره شانزدهم، ۱۳۹۷.

منابع لاتین

- Council of Europe, Report of the Conference on Women, Amsterdam, Network Council of Europe from the National Focal Distance Score in Media and Image Gender Equality, 2013.
- European Commission, Women and men in leadership positions in the European Union, Publications Ofce of the European Union, Luxembourg, 2013.
- Htun, M., Weldon S.L., "The civic origins of progressive policy change: combating violence against women in global perspective, 1975-2005", American Political Science Review, Vol. 106, No. 3, 2012.
- Olufunmilayo, I. Fawole, Economic Violence To Women and Girls: Is It Receiving the Necessary Attention? Journal Trauma, Violence & Abuse, 2008.
- Vyas, S., Mbwambo, J. Physical partner violence, women's economic status and help-seeking behaviour in Dar es Salaam and Mbeya, Tanzania. Global health action, Vol. 10, No. 1, 2017.

- Vyas, S., Watts, C. How does economic empowerment affect women's risk of intimate partner violence in low and middle income countries? A systematic review of published evidence. Journal of international Development, Vol. 21, No. 1, 2009.
- World Report on Violence and Health, October 3, 2002, <https://www.who.int/publications/i/item/9789241564793>,p;3.



Solutions Dealing with the Economic Aspects of Domestic Violence Against Women

Nasim Basandeh¹, Hassan Haji Tabar Firouzjaei^{2*}, Hossein Foroughinia³

1. Department of Law, Ayatollah Amoli Unit, Islamic Azad University, Amol, Iran.

2. Department of Criminal Law and Criminology, Qaimshahr Branch, Islamic Azad University, Qaimshahr, Iran.

3. Department of International Law, Farvardin Institute of Higher Education, Ghaemshahr, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 207-226

Article history:

Received: 27 Jun 2021

Edition: 30 Aug 2021

Accepted: 30 Oct 2021

Published online: 25 Dec 2021

Keywords:

Domestic Violence, Women, Economic Violence, Alimony, Right to Employment

Corresponding Author:

Hassan Haji Tabar Firouzjaei

Address:

Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, Qaimshahr Branch, Islamic Azad University, Qaimshahr, Iran.

Orchid Code:

0000-0002-0228-2027

Tel:

09112158173

Email:

hajitabar@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aim: Economic violence against women in the family environment is one of the different forms of domestic violence that has not been paid much attention, and in this article an attempt has been made to deal with the mechanisms of dealing with it.

Materials and Methods: This paper is descriptive and analytical, using library method.

Findings: Domestic violence occurs in the form of the husband's lack of support in providing for the wife's needs and the denial of access to financial resources, and beyond that, the denial of her right to employment. To deal with domestic economic violence, the legislator has considered mechanisms such as the right of alimony and the right of occupation for women, but these solutions do not seem to be sufficient. Empowering women in the form of vocational training and providing employment opportunities for women, along with culture building, are the most important solutions that can be effective in reducing domestic economic violence against women. education and cultural development have also led to the change of men's views towards women and prevent men from using economic tactics to exert pressure and violence against women in the family environment.

Ethical Considerations: In this paper, the originality of the texts, honesty, and trustworthiness are preserved.

Conclusion: Considering the inadequacies in the field of protecting the economic rights of women in the family environment, it is necessary to formulate laws in order to effectively protect the economic rights of women, especially housewives.

Cite this article as:

Basandeh N, Haji Tabar Firouzjaei H, Foroughinia H. Solutions Dealing with the Economic Aspects of Domestic Violence Against Women. *Economic Jurisprudence Studies*. 2021; 3(4): 207-226.